

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم فی حق سیدنا محمد و آئینہٴ نبوی صلی اللہ علیہ وسلم

۱۲۹۲  
مقتاد نامہ

بہارِ غفران محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

۱۲۹۲  
مطبع نظامی بنو مصطفیٰ

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد و نعت معلوم باد که احقر العباد و مرزا عبد الله بیگ المتخصص <sup>ش</sup> هو  
کتابیکه برای حرف زدن فارسی و مدرسه های انگلیزی و غیره جاریست  
در آن تصرقاتی چند بکار برود تا مفید خاص و عام افتد یعنی چند فقرات  
کار آمد از آن برچیده و چندی از طرف خود افزوده بعنوان سوال و جواب  
مرتب نموده نمایش گفتگو نامه فارسی نهاد خدا میداند که نهایت  
این کتاب از روی فخر نیست بلکه شکرگزاری نوازش و پرورش فرما  
است خداوند نعمت است که این سچیدان را در مدرسه دارالعلوم از <sup>تقدیر</sup> تسلیم

و تربیت باین درجه رسانیده از لیاقت نامه سفر از می بخشیده  
 و باین همه موبو مهرهون حق نمک پروری خود فرموده زهی دیوان  
 عالیشان که اسم و الایش نواب مختار الملک بهادرست از غیرت  
 عقل و عدلش چه فلاطون چه نوشیروان و از رشک فیض سانی  
 و حکمرانی او چه حاتم چه خاقان بشهر نموشان گریخت در خاک روپوش  
 شده اند نه روپوش بلکه مجال دم زدن ندارند هر چند اوصافش  
 واجب العیانست اما چه توان کرد که خارج از بیانست خانه هنگام  
 تحریرش سرگردان و از سرگردانی کمال دو نیم جگر و نعره زنان گاهی  
 و رووات روپوش چنان که بجز استعانت پنج انگشت برآمدن ازان  
 چه امکان گاهی اشک بر چهره روان سر فلکند عجز کنان ناگزیر مردعا  
 اختصار افتاد الهی تا سطور این کتاب دست بدعاست عمر و دولت  
 و سخاوت و نعمت و خداوند زادگان و الاعزت یوما فیوما و ترقی باد  
 اکنون ای خوانندگان این مختصر بر حال زار محمدی آرید و جانسوزی

تالیف که از بهر شماس از دل فراموش نظر نماید رباع

این نامه چو بینید مرا پایا و گنید	از فاتحه خیر و دعا پایا و گنید
بر خون جگر خورون من کرده نظر	و لسو چنین رفت کجا پایا و گنید

حرف زدن با دوست وقت ملاقات

سوال السلام علیکم جواب وعلیکم السلام سوال خوش آمدید  
 جواب خوش بایتم سوال مزاج عالی جواب الحمد لله سوال  
 خرد و بزرگ سخنراند جواب بلای همه دعا میکنند سوال بددت  
 تشریف آورید اینقدر بی التفاتی معاف و اید جواب اول  
 چه کنم کارهای دنیا نمی گذارند که شرف اندوز خدمت شوم جواب دوم  
 ماضی خدمت نشدم که سخت بیمار بودم گویا زندگی دوباره یازدهم  
 سوال خبری تازه و اید جواب اول چیزی گوشش زود نشد  
 تا بعضی رسانم جواب دوم میگویند امروزه و تا کشتی غرق شد  
 سوال کجا شنیدید جواب به بازار سوال وای بر حال صاحب مال

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در جواب سوال اول  
 در جواب سوال دوم  
 در جواب سوال سوم  
 در جواب سوال چهارم  
 در جواب سوال پنجم  
 در جواب سوال ششم  
 در جواب سوال هفتم  
 در جواب سوال هشتم  
 در جواب سوال نهم  
 در جواب سوال دهم  
 در جواب سوال یازدهم  
 در جواب سوال دوازدهم  
 در جواب سوال سیزدهم  
 در جواب سوال چهاردهم  
 در جواب سوال پانزدهم  
 در جواب سوال شانزدهم  
 در جواب سوال هجدهم  
 در جواب سوال نوزدهم  
 در جواب سوال بیستم



جستجو نیکند جواب چکنم آغا هر چند دست و پامیز نم ره بجای  
 نمی برم جناب را با امرای بلده تعارفی و خصوصیتی هست اگر در  
 و سفارش من بیچاره زبان و قلم را متحرک خواهند کرد و عنداللز  
 ما جور خواهند شد سوال خاطر جمع دارید حتی الامکان در خدمت گزار می  
 قصوری نخواهد رفت جواب خدا جناب عالی را دیدگاه سلامت  
 دارد و جزای خیر دهد که توجه و دلسوزی بر حال بیچارگان میفرماید  
 و گرنه درین زمان کسی را کسی نمی پرسد که چه حال دارید و در چه ملامت  
 سوال از کجا می رسید جواب از شیراز سوال چند روز است که از  
 شیراز بر آمدید جواب سه ماه سوال از کدام راه جواب از  
 راه کابل سوال راه چگونه است امی دارد و یا ندارد جواب آغا  
 چه گویم کسانیکه میروند سر بکفت میبندند شکر خدا که ما سلامت آمدیم  
 سوال اینجا کجا منزل گرفتید جواب به سر سوال تنها هستیم  
 جواب خانه کوچ همراه هست سوال آغا چرا ترک وطن گفتید

سلام  
 بیخ قباش  
 عیان  
 چو اینست

جواب قبله برانمی تحصیل علم سوال حالا کجا میرودید جواب اگر حق  
رہت کردو بحیدرآباد میروم چه امنی کردو رانجام است بہ ہفت کشور زندیدم

### گفتگوی مدرس

سوال محمد صاحب برخیزید آفتاب برآمد و بلند شد وقت مدرس  
قریب است آب گرم طیارست آفتاب بگیرد دست دروشت جا  
دربہرکنید کاہلی نکنید جواب قبلہ پنجم سوال ای جان پیرامروز  
نیزوید جواب بلی روزآزادیت سوال علی الصباح برخیزید ازخرویات  
فارغ شدہ جائہ پاکیزہ دربرکنید دروقت خود را بحد رسہ رسانید ہرگاہ  
پیش استاد آئید آداب بجا آرید و تاشستہ باشید مؤذن شینید چون  
رخصت شوید درراہ بازی کنید و با اطفال عبث کوچہ کردی کنید  
ہرچہ پروز خواندہ باشید شب یادش کنید چہ خواندن شب برول نقش  
میشود و صبح زود تریا مید جواب قبلہ سیر و چشم سوال احمد صاحب  
بیاید کتاب خود بیارید بشنوم چہ خواندہ آید جواب حاضرے شوم

سوال چند کتب خوانده اید و حالا در کس کدام کتاب جاریست  
 جواب کتب متداوله در فارسی تا سکنه زمانه خوانده ام حالا در کس  
 نظوری نیگیرم سوال استعداد در فارسی و عربی چیست در وادریه  
 لیاقت انجام کدام کار حاصل کردید جواب در فارسی طغرا و ظهور  
 خوانده ام و در عربی شرح ملا جامی و هر کاریکه از سر کار محنت خواهد شد  
 بدولت و اقبال خداوند نعمت انجام آن کردن میتوانم سوال کتاب  
 واکنید و از سر خوانید بلند خوانید ورق بگردانید این بیت بخوانید  
 وقت ضرورت چو نماند گریز دست بگیرد شمشیر تیز  
 معنی بطلبش بگویند جواب معنی اینست که در وقت مجبوری هر گاه  
 نباشد راه گریختن دست بگیرد شمشیر تیز را و طلبش اینست که انسان  
 وقت مجبوری و ناچاری که گریختن نمیتواند دست بقبضه شده بر کشتن  
 و جان و اذن مستعد میشود و بگردد آنکه انسان هر گاه عاجز میشود بی اختیار  
 نوکی شمشیر تیز بگیرد و باندیشه نمیکند که دست زخمی خواهد شد غرض که

کتاب  
 است  
 پند  
 خوانده  
 شده  
 و  
 در  
 فارسی  
 و  
 عربی  
 است



افسان در عالم مجبوری متکلب آن امر میشود که در حق او هیچ فائده  
 ندارد بلکه موجب ضرر باشد چنانچه قیدی بوقت قتل با دشمن را  
 دشنام داد و بدگفت سوال بارک الله طبع روشن و ارید جواب اول  
 حسن ظن بزرگانست جواب دوم بزرگان همین قدر خردنواز  
 میفرمایند سوال همین صنفی که خواننده این نقلش بر و ارید جواب قبله ششم  
 سوال خطما خوبست جواب از برکت توجه جنابست سوال  
 محمود صاحب شمایانید بخوانید این چه لفظ است اگر اید و ارید پرا  
 نمیخوانید بجا کرده بگویند صحیح و درست بخوانید غلط مکتب آغا  
 جواب قبله در کتاب همین نوشته است سوال خیر کاتب غلط  
 کرده قلم بگیرد و درست کنید جواب پنجم سوال این فقره چه معنی دارد  
 جواب هنوز نو آموزم فقط حرف شناس هشتم یعنی شناس سوال  
 هر چه میخواهید بفهمید و همیشه در رسیدمانند طوطی از بر کردن و بمطلب  
 نرسیدن چه فائده عالم طفلی را غنیمت دانید که وقت کسب علم و هنر همین است

فیق شما نیم صغی از شما زیاده میخواند مگر شرمی ندارید جواب سر جناب  
 سلامت باشد در چند روز پیش میثوم سوال محو صاحب شامی توانید  
 که این را بخوانید جواب بلی چرا نمی توانم این لفظ علم است سوال  
 آفرین آفرین جایش بگیرند پیشینید جواب بچشم سوال بپسینید  
 احمد صاحب چه سعادت مند پس اند بهمت هر روزه یاد میکنند حالا سواد  
 آنها روشن شده خیلی محنت کش اند با نذک مدت استعد او بهم رسانیده اند  
 جواب بلی فرموده جناب همه راست است سوال محمود صاحب  
 شما درس گرفتید جواب هنوز نگرفته ام آموخته میخوانم سوال  
 بس کنید پس کنید اولاً درس بگیرد شماروی کتابت خوانید از بر بخوانید  
 ما از یاد شما نرو و بدل گوش کنید نمیدید جواب بلی سوال مشق خود  
 بیارید که بنیم این حرف شما بقا عده است این حرف بسیار خوب است  
 مرکب خیلی نغایط است کاغذ مرکب را پیش دروات شما آنگی است  
 پسینید مرکب آنها چه قدر روشن و سیاه است جواب بلی سوال امروزه

در وقت آنکه کسی در کتب  
 بسیار در کتب بسیار  
 بسیار در کتب بسیار  
 بسیار در کتب بسیار

بدید آمدید پنج میدانید که چند ساعت روز برآمده و ساعت چند زود  
 درین ماه و دو سه روز غیر حاضر شدید تا تو انید غیر حاضر نشوید جواب پنجم  
 سوال ای بچه با بخوانید درست یا نکنید که وقت برخاست قمریت  
 زود باشید زود باشید و ساعت چاره و لحوه باقیمت پس سر هر چرا  
 نشسته اید بیاید پهلوی احمد شعیب بفارسی حرف زدن می توانید  
 جواب قبله خیر بطی بزبان فارسی ندارم سوال بیاید بیاید بفارسی  
 حرف زنیم و یک دست ترک هندی گوئیم شرم نکنید هر چه بتوانید بفارسی  
 حرف زنی جواب قبله پنجم سوال امانویسی می توانید کرد جواب  
 قبله پنجم زود آموزم یاد گرفتند ام از توجه جناب قریب است که می آموزم

### در باب فریاد و طفل و تحسید با آنها

سوال جناب آن صاحب قلمتر شرم کم شد جواب همین جا بوده باش  
 نیز فرزند همین سوال آخر کجا گذاشته بودی جواب در سنه و نام بود  
 سوال احمد تویدی جواب من خبر ندارم سوال دیگر که برو از اینجا



در روزی روی زندان می بیند و بسبب بودن پدرش بر راه دور دور  
 میخوف و بی اندیشه بوده گفته مادر خود را بخاطر نمی آرد جواب اینها آفت  
 از نماز بر واری مادرش بوده است که کشتن روز اول حالا خود کرده را  
 چه علاج خیر گفته شما پند و بندش میکنم سوال ای مرد که ترا سزا می مقول  
 می باید تا بتو و هم بدیگر آن نصیحت و عبرت شود مگر عالم اطفالی فراموش کردی  
 و آن بیچارگی یاد نداری حالا که بفضل الهی جوان شدی با مادر پیوسته  
 سرکشی میکنی و حرمت تند و تلخ میکنی جواب از لطف و کرم حضرت  
 امیدوارم که نزدیک تصورم معاف شود اگر بار دیگر تقصیری کنم هرگز از یک  
 و پند سزاوار آنم سوال احمد چه میکنی خاموش منی مانی مگر نمی ترسی  
 می پنجم که یک ساعت یک جا قرار نمیگیری هرگز بار دیگر آنخ از روی  
 و الا زیر چوب خواهد کشید چرا خنده میکنی خیلی کبتناخ شده بسیار بی ادب  
 هستی کتاب خود خراب کن بین پاره پاره میشود سیاه می برد من از کجا  
 ریختی عجب پسر کثیف هستی اگر عدا این حرکت میکردی بسزا پسر سیدی

نتیجہ نیک منیدیدی ہو شدار بازا پنچین حرکت نکنی بار بار سے پری  
 پرایا و منیداری ہر چہ میگویم بخاطر نگہار جواب پنجم سوال امی چہا  
 این چہ شور و غوغاست عجب بی تیز مستید مغز سرم پاک خوردید ہر گاہ  
 سزا خواہید یافت ہمہ دم بخورد خواہید شست بجرن بد زبان سزا  
 مکند کتب جامی خواندنت نہ جانی بیوہ گفتن پنجم باید کہ  
 کتاشی شہاد ہم جواب معاف کنید قبلہ از چنین حرکت نخواہیم کرد  
 سوال کار خود با انجام رسانیدید جواب قبلہ قدری باقیست سوال  
 چہ میگویند سخن شہا بفہم نمی آید تلفظ خود درست کنید جواب پنجم سوال  
 جناب آغا صاحب وقت رخصت شد اگر اجازتست بجاتہ خود ما برویم  
 جواب بروید سوال رخصت دور روزہ مرحمت شود کہ پدر ما درم جا  
 مکان میروندن ہم میروم جواب برو سوال جناب آغا صاحب  
 بزرگی برداروازمیدہند و دستک مینزند جواب بگو تا اندرون بیایند  
 یا پرس کہ بستند و چہ نام دارند و از کجا ایسند و چہ میخواہند

## در جنگ کردن طاعت با یکدیگر

سوال ای مرد که چه نموده یک طپا پنجه میزنم که خون از چشمش میچکد  
 جواب همه کس ببینید و گواه باشید که این بد معاشش چه طوری سرش  
 و زبان درازی میکند سوال تفت بر توجیه بزوانستی که حرفیت صد  
 بشنام سپید بد ترا اثری نمیکند مگر غیرتی نداری جواب ای برادر با  
 چه مقابله باید کرد سوال اگر مردی بمیدان بیابعلی بیک ضرب تیغ  
 کاردت تمامست جواب برو برو که بسیار مرد خود پسند <sup>سوال</sup> من چند آنکه  
 تحمل میکنم و خاموش میمانم تو بزبان درازی و سرکشی پیش می آئی  
 ای مرد که نام تو نیگیرم چرا نام من بیگیری خوف خدا میکنم و بر حال ضعیف <sup>سوال</sup>  
 می آرم و گردن یک مشت میزنم که همه استخوانهایت ریزه ریزه می شود  
 جواب قدرت خدا این فرساق با من اراده جنگ دارد مگر از  
 زندگی تنگ آمده است بجز خودم این را سلامت نمیکند ای مرد <sup>سوال</sup>  
 از حرفهای بد بزبان خود نگهدار و الا وندانت خواهد شکست بنویز طفل <sup>سوال</sup>

گرم و سرد زمانه پیشیده ترا با مردان کاری نینقاد و گرنه ذائقه ای همه  
 حرکات چنان بی یافتی که بار دیگر سو او هم نام کسی میگفتی جواب پیشیم زنی  
 مکن تو در چه حساب هستی اگر مانند تو صد تن بیایند همه ابیک چه بدستی جواب مهم  
 سوال درگذرید آغا بنوز این طفل نادر است جواب جان شما  
 دست بردار نمیشویم تا خودش بخورم این کینزک ناره چه خواهد کرد که تخم خوبی نیست

در باب بیماریها

چنانجا رسد

سوال امر وز احمد نیاید جواب گویند ویر و زتب کرده حال اقدار سے  
 افاقه است مگر بنوز چاق نشده سوال تپاشش که میکند جواب پدرش  
 میکند مگر بسیار متفکر است هیچ دو افاغنده نمیدهد مادرش سخت بیجوابی دارد  
 هر چند دل میدهند و قسمهای خوردند که جایی اندیشه نیست بیست سینه کوبی بر نیاید  
 خدایش صبر و سوال علاج کدام طبیب است جواب حکیم یونانی است سوال  
 علاج واکتر چنان میکنند جواب مردم بندگان واکتری ترسند سوال  
 آخر چرا جواب فقط نادانی است مگر نفعی که در علاج واکتر دیدیم



بہیج علاج نہ دیرم دوا اندک و نفع بسیار خیر خدایش شفا و ہر سوال  
 امروز سرم درو میکند جواب نصیب اعدا سوال از کی جواب شب  
 کہ از خواب بر خاتم خود را بتلائی ہمین درو یا فتم سوال از سندی  
 و شب بیداریت ساعتی خواب کنید رفع میشود جواب ہجتم سوال  
 جناب آغا صاحب شکر بندہ نہایت درو میکند اگر اجازت ست  
 نما میروم وہمین کہ دوا میجوزم باز سے ایم جواب برو و زوویا

گفتگو با ملازمین

سوال خانہ آغا جعفر میدانی جواب بے سوال این قعودہ  
 و صبر کرن تا جواب بے بدہند اگر خانہ نباشند خام را بدہ و زو و تر و پس ہا  
 جواب ہجتم سوال این رو پیہ بگیر و شہادہ کن جواب ہنوز صراوت  
 بکان نکشادہ سوال این رو پیہ قلب ست صراوت نیگیر و جواب  
 خیر دیگر ہر سوال کو و فلوس بد لاک بدہ جواب ہجتم سوال  
 امروز خانہ را کے جاروب نکر دہ بیا صفا بدہ و فرشتہ اجبکان

این سوال کا جواب  
 خانہ آغا جعفر میدانی  
 رو پیہ بگیر و شہادہ کن  
 کو و فلوس بد لاک بدہ



گفته جناب بجان منظور است سوال چه شود اگر امر و زرعان من باشد  
 بنان و نمک قناعت کتید جواب زهی سعادت سوال برادر شما  
 چه میکند جواب غذا میخورد می آیند سوال حیدر علی برود و مملوک  
 شیر با آب خوردن بدو هنگام سراسر زغال روشن کن بنقل گذارشته بیاید  
 آشکیر بن ده قدری چای دم کن جواب پنجم سوال چای حاضر  
 جواب معاف و اید آغانی جویم که خشکی می آرد سوال خیر از یک زنجیر  
 چه میشود قدری شیر بکنید که خشکیش را می برد جواب پنجم سوال قلیان  
 میل بفرماید جواب اول اطراف شما که نشود قلیان پیش جناب غاصب  
 بگذارید تا دووی کرده بدهند جواب دوم بنده را معاف فرماید که عادتش نمیب روم  
 سوال بر اطمینان خوردن می روم و بر آن خوردن می روم و بر آن شاشیدن می روم جواب

گفتگوی خرید و فروخت

سوال میوه فروشان حضرت جواب بیاید کجاست سوال انگور سیری  
 سبزی جواب سیری ده آن سوال سبزی و پیاز چند جواب سبزی پنج

سوال خدا را باین باب است که جواب بنور و شست هم نکرده ام از شما  
 زیاد میخواهم نگرش ببینید و پوشش کنید سوال بسیار گرانست جواب  
 خیر یک سخن دارم آغا انکورا ز شست آنکه کمتر وسپید از سی و آن زیاد و نمیدهم  
 سوال اینقدر گران فروشی کن بابا که میگیر و جواب خیر مردم با نرومی بن  
 سوال که نه شده حرم مرا گوش کن در گران فروشی نفع نیست اگر از آن  
 میفروشی و بسیار میفروشی نفع می بری این زعفران تو را بچند جواب شست  
 سوال آخرتا چند جواب اینچ آنکه نیست سوال چه را آنکه بگب  
 جواب خیر گفته شما بجان بنظر است بگیرید سوال انکور سیری و زعفران پنج توله  
 میخواهم بکش هر چه خوش باشد خود چیده بده جواب بهر اشکیانست سر سینه  
 فرق نیست سوال قیمت این غیر زده چه باشد جواب هفت روپیه  
 سوال پناه بخدا جواب یک حرم دارم آغا اینچ روپیه کم نیست  
 سوال اکنون من هم گویم جواب بفراید سوال چار و پیه میگیری  
 بگیر و زده خست چار واری با آن خدا جواب خیر حالاشب شد کجا برم

کتابخانه فارسی است آن بومی و بهمنی

کتابخانه فارسی است آن بومی و بهمنی



۲۲  
گفتگوی بارش

سوال ابر سیاهی از جانب شمال برخاسته برقی همیشه در البته خواهد بارید  
و دیده نیاید قدم بردارد تا پیش از باریدن خانه ریم اینک در سی حال  
زور آور و بیاید بیاید بر کافی پناهی گیریم تا تر نشویم جواب تشریف بر  
من هم عقب میرسم سوال آب زور می بار و اکنون ستا حال کم شد جواب

متفرقات

سوال گریه را وید و تبار چه هم دارد و تماشا کنید چه بازها میکنند دست  
بر پیش کشید خوش میشود غرغر میکنند همین نشان محبتش دست مرا حرکت  
خیلی خوش می آید جواب بشما آشنا هم شده است که هر گاه از پیش شما  
میرود همین که صدایش کنید و دیده می آید سوال گریه مسکین جانور است  
جواب بے پیش شما مسکین است از خوش و گنجشک پسر پندار خن گریه  
تفرخ دست کم از خن نیست سوال سگ را نگاه کنید چه لا بها میکنند  
بر بینید چه طور دم می جنبانند دشمن نگیرد که خوشش می آید بدش کنید

و مگذارید که درون بیاید و فرسش را خراب کند روزی بصره بروم و سر  
 لکش سر و ادم چه گویم جهان نقل گریه و موش بود جواب اگر همین قدر است  
 بعلی ابن ابی طالب این سگ در جرات کم از شیر نباشد سوال از پویشهای خانها  
 ننگ آمده ام که هر چه اسباب می یابند ریزه ریزه میکنند جواب چرا  
 گریه نمی پرورید که از برکت تقدش نام و نشان آنها نخواهد ماند  
 سوال این اسپ عربی چاک است تا مهمین هم نمی آرد تا پتچی  
 چه رسد چه سبب است که فرزندیش و جواب آب و روانه هندی با سپاس  
 ولایت نمیسازد سوال این طفل که صورت و سیرت هر دو درست  
 دارد جواب بے خدا عمرش دراز کند سوال درو مند کجا بودی  
 جانم فدای تو از مدت دریا تو ام جواب قربانت شوم من اخیب  
 رخت اقامت نداشتم سفر گزین شیر از بودم سوال صد و انداز  
 ارسال خدمت داشتم بذائقه در آمده باشد جواب و انسا  
 جزاک الله خلی خوش مزه و شیرین برآمد خانه آیا نعمت فریاد سوال اگر

برخی بلازمان شریف نباشد بفریب خانه قدم رنج باید فرمود جواب  
 چه میشود و حاضر میشود سوال دولتخانه جناب کجاست جواب عازم که  
 پیش زومی جناب است همین شریف خانه است سوال آنجا چندتا  
 برآوردید جواب پنج برآوردیم یکم خواهر سوال برادر شما کتختا  
 شده جواب بی سوال بیرون نیامدید جواب چه کنم کتختا  
 در کار سرکاری فرصت سر خریدن ندارم سوال خیر است امروز چه  
 پیش آمد که اقامت و خیران میرود اگر نصیب اعدا شوشی لاحق است  
 بفرمایید که تدبیر فحش کنیم جواب حاله گویم که هوا اول برست  
 سوال چهستم کردی که خادم خود را ناحق زدوی حاجب بابای بیروت  
 بوده امی ظالم بحال زارش رسحه و از بطنت نکاست ترسنا  
 دور و بر او روی که همه نسل آدمست بجله بنی آدم ضرورت بیکی او  
 ولم بابد و آورد جواب خیر آنچه شدنی بودش سوال میگویند  
 محمد فاضل غیبی ظالم است خالق خدا را ناحق رنج میدهد و از زبان خداوند



جواب این ظالم بی انصاف را خدا بر او درود کرده شو شکل شمشیر بر  
 سوال آفرین و رحمت خدا که سخن خوب بگفتی و مرجا و بارک الله خوش  
 حرف میزنی زنده باش زنده باش جواب آنچه میفرمایند از راه عنایت

### خاتمه کتاب

احمد مدد و المنه گفتگو نامه فارسی تاریخ پنجم ماه رجب ۱۳۱۲ هجری  
 بنست تمام رسید و فکر تالیف یک نخت از اول دور گردید و در اوند  
 تو میدانی این کار که کرده ام برای فائده بستگان قست تو هم  
 اگر گناهان من بسته از راه کرم عفو کنی شایان قست لمولفد رسا

یارب کند هر آنکه کتابت کتاب	خواند هر آنکه که زر غبت کتاب ما
آن هر دورا بهر و جهان و از سر خرد	گردان قبول اهل فرست کتاب ما

هر که طالب این نامه مختصر است بجزش چنین عرض اختصر است رباع

یا بی چو درین نامه خطا عیب کن	بی عیب بود ذات خدا عیب کن
از جانب حق دان تو همه خوب خراب	میداری اگر عقل رسا عیب کن

